ادله اثباتی در تایید نصف النهار مکه

(41:05)

استاد: الان به روایاتی برگردیم که آقا زحمت کشیده اند. صفحه خوبی هم ایجاد شده است به تفصیل ببینید. روایات متعدد خیلی جالبی است. من قدرت این که از زحمات آقایان تشکر کنم ندارم. در وسع من نیست. ان شاءالله خداوند به همه جزاء خیر بدهد. روایات متعددی دال بر این است که مکه مکرمه و کعبه مشرفه وسط زمین است. اسم صفحه «وسط الارض وسط الدنیا» است. ارسال‌شان در صفحه ربع مسکون بوده است. ولی صفحه جدیدی برای این روایات ایجاد کردم. خودتان روایات را نگاه کنید. مثل در روایت دارد: «ثُمَّ دَحَیَ [انشق] الْأَرْضَ مِنْ مَوْضِعِ الْکَعْبَةِ وَ هِیَ وَسَطُ [الْأَرْضِ]»[1]. روایات متعددی است. آدم که این ها را می بیند خیلی خوشحال می شود در این شواهد اثباتیه که اینهمه متعدد است. «وَ وُضِعَ الْبَیْتُ فِی وَسَطِ الْأَرْضِ»[2]؛ این ها شواهد خوبی است. البته من نمی گویم نص است. چون هر کدام از این ها را که نگاه می کردم در فضای استظهار محتملاتی می آید. ولی ظهورش خوب است.

مثل چرا کعبه را کعبه نامیده است؟ کعبه مکعب است، برآمده است. «سمّیت بذلک لأنها وسط الأرض»[3]؛ بالاترین جاها است. در این تسمیه ای که امام ع فرمودند خیلی مناسبت هست. «کعب»، بالاترین جا است، جایی است که وسط است و نصف النهار آن جا درست نصف النهار وسط می شود. مثل تعبیری «امّ القری»[4]؛ روی حساب ظاهر آیه شریفه «لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا»[5]، مکه و قرای اطرافش می شود. اما در این روایت حضرت می فرمایند «قرائ» یعنی کل بلاد زمین، «امّ» این جا است. مخصوصا اگر با آن محور مغناطیسی زمین همانگی داشته باشد، امّ یک معنای جالب تری پیدا می کند. گویا از جهات باطنی دخالت دارد؛ البته فعلا بشر جهت مغناطیسی را فهمیده است. امور لایتناهایی که خداوند متعال در خلقت خودش در زمین اعمال کرده را خودش می داند. ارتباطاتش با مکه چیست، ما از این ها خبر نداریم. «امّ القری»؛ کل کره زمین به این مکه بر می گردد.

این جا منظور من بود: در چند روایت هست، حضرت می فرمایند: «وَ هِیَ أَوَّلُ بُقْعَةٍ وُضِعَتْ فِی الْأَرْضِ لِأَنَّهَا الْوَسَطُ»؛ چرا آیه می‌فرماید «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکًا وَهُدًی لِّلْعَٰلَمِینَ»[6]؟ چرا اول آن جا است؟ می فرمایند چون وسط است. می دانید که از نظر هندسی، تنها سطحی که مرکز ندارد، کره است. کل نقطة فی سطح الکرة فهو مرکزه، چرا؟ چون تعریف مرکز این است که فاصله این نقطه تا تمام پیرامون آن برابر است. مرکز داره یعنی فاصله این نقطه تا محیط داره در همه جا برابر است. خب مرکز سطح کره کجا است؟ هر نقطه ای از آن را دست بگذارید، فاصله این نقطه تا پیرامونش برابر است. ولی چون سر و کار ما در این جا با زمین است، خالق او می داند که چه کارهایی در آن انجام داده است، و لذا می تواند وسط داشته باشد. مرکزی داشته باشد به مناسبت خلقت خودش. نه به مناسبت شکل کروی و هندسی خود. پس «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِ

لل‌نّاسِ»، یعنی زمین مرکز دارد. مرکزش وسطش است. آن وسط کجا است؟ اولین بیت است. حال جالب تر این است که حضرت فرمودند: «لِيَكُونَ الْفَرْضُ لِأَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ فِي ذَلِكَ سَوَاءً»[7]؛ خدای متعال این جا را وسط و مرکز قرار داد تا فرض برای اهل مشرق و مغرب برابر باشد. فعلا نمی دانیم این جمله بعدها در فضای مباحثه و در میان اصحاب فقه چه می کند، فعلا از زحمات آقایان بهره مند هستیم و می خوانیم. حضرت می گویند چرا ما یک نصف النهار را نیاز داریم؟ چرا این وسط میزان است؟ یکی از آثارش این است: «لِيَكُونَ الْفَرْضُ لِأَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ فِي ذَلِكَ سَوَاءً»؛ یعنی امت السلامیه که می خواهند در کره یک توقیم داشته باشد، یک میقات داشته باشند، یک عید فطر داشته باشند، یک لیلة القدر داشته باشند، با این شخص ِنصف النهار همه منضبط می شوند. کما این که امروزه در توقیم رایج مردم، مشکلی نیست. هر کسی ساعت محلی خودشان را در قاچ های جغرافیایی دارد، اما به محض این که بخواهند به صورت جهانی ارتباط برقرار کنند، دیگر ساعت و توقیم محلی آن ها تمام می شود. ساعت یک ساعت می شود و توقیم هم یک توقیم می شود. الان که می گویند ساعت ده روز یک شنبه است، می گویند حال که شب است، تو چطور می گویی ساعت ده است؟! می گویند یعنی ساعت ده جهانی است و روز یک شنبه جهانی است.

---

[1] تفسير فرات الكوفي، ص: ۱۸۴و۱۸۵

[2] من لا يحضره الفقيه: ۱۹۱/۲

[3] مفردات ألفاظ القرآن، ص: ۷۷۲

[4] بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج۵۴، ص: ۶۴ و ۶۵

[5] الشوری۷

[6] آل عمران ۹۶

[7] عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۹۰/۲

بازبینی #1
ایجاد شده 26 ژانویه 2026 15:39:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 ژانویه 2026 15:41:12 توسط ... .